

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
A Stylistic Analysis of the Borders of Iranian Rugs in the 16th AD
Century Based on Rug Weaving Centers
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

سبک‌شناسی حاشیه‌قالی‌های ایران قرن دهم ه. ق. بر اساس مراکز
قابلیابی*

رضوان احمدی پیام^۱، عفت‌السادات افضل طوسی^{۲*}، اشرف‌السادات موسوی‌لر^۳

۱. پژوهشگر دکتری پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.
۲. استاد تمام، گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.
۳. استاد تمام، گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۸

چکیده

بیان مسئله: حاشیه‌قالی چهارچوبی از نظام‌های تزئینی مستقل از زمینه‌قالی و حاصل تکرار مجموعه نقوش، با ظرفیت‌های بصری قابل‌تأمل است؛ حضور پایدار حاشیه با خصایص متمایز در قالی‌های صفویه می‌تواند مبین ارائه سبک‌هایی باشد که در چارچوب تولیدات منطقه‌ای تعریف شوند. بنابراین تمایزات حاشیه‌ها در هر گونه‌ای می‌تواند شناسه تولیدات قلمداد شود. در این راستا به دو پرسش پاسخ داده شده است: آرایه‌های تزئینی حاشیه‌قالی‌های قرن دهم ه. ق. نمایانگر چه سبک‌هایی در تولیدات مناطق مختلف هستند؟ موقعیت فرهنگی-هنری مناطق بافندگی چگونه با سبک‌های حاکم بر حاشیه‌قالی‌ها ارتباط می‌یابند؟

هدف پژوهش: با در نظر داشتن کم‌توجهی به حاشیه‌ها در طبقه‌بندی قالی‌ها، هدف اصلی از سبک‌شناسی قالی‌های قرن دهم ه. ق. بر اساس تمایزات حاشیه، ارائه الگوهای اصیل حاشیه هر منطقه به طراحان معاصر در زمینه طراحی قالی‌های منطقه‌ای است.

روش پژوهش: این پژوهش کیفی و به روش تحلیل محتوای ساختاری بر پایه داده‌های کتابخانه‌ای و اینترنتی است. پنجاه‌هفت قالی صفویه متعلق به قرن دهم ه. ق. (دوره شاه اسماعیل و شاه طهماسب) به شیوه هدفمند و غیرتصادفی از منابع اسنادی استخراج شدند. بر پایه پرتکرارترین ساختارهای خطی مستخرج (سی‌وهشت نمونه) از حاشیه‌ها، سبک‌های مرتبط با آن‌ها تعریف شد.

نتیجه‌گیری: با تحلیل نظام‌های بصری حاکم بر حاشیه‌قالی‌ها، سبک‌های غالب بر اساس نقوش غالب (اسلیمی گل‌دار، اسلیمی ماری و تقابل‌های حیوانی) و ترکیب‌بندی غالب (قلمدانی، تصویری و مایگان هراتی) معرفی شدند. مداومت یک نگاره یا ساختار تزئینی با اشکال متنوع در تولیدات مناطق مختلف این گمان را قوت بخشید که نظام‌های بصری، شناسه‌های متأثر از پیشینه‌های فرهنگی (مذهب، سیاست و هنر) مناطقی هستند که محصول هنری در آن‌ها تکوین یافته است.

واژگان کلیدی: قالی صفویه، حاشیه، ساختارهای تزئینی، سبک.

مقدمه

ارائه به درباریان و گروه‌های وابسته به آن‌ها برپا شدند (صو اسرافیل، ۱۳۹۵، ۲۲). مطالعه قالی‌های صفوی و تحلیل ساختاری آن‌ها با دیدگاه‌های مختلف، سنجه‌های متنوعی برای ارزیابی خاص ترشان مهیا می‌سازد. در تمامی قالی‌های صفویه، ساختار ثابت زمینه-حاشیه امر

شکوفایی قالی ایران با حاکمیت صفویان (۹۰۷-۱۱۴۸ ه. ق.) مقارن شد و شمار قابل‌ملاحظه‌ای از قالی‌ها تولید شدند. در عصر صفویه کارگاه‌های عظیمی با محوریت ارائه قالی‌های بزرگ‌پارچه بر اساس سفارش‌های خاص و

و «دکتر اشرف‌السادات موسوی‌لر» در دانشکده هنر گروه پژوهش هنر در حال انجام است. *نویسنده مسئول afzaltousi@alzahra.ac.ir ۰۹۱۲۱۶۱۲۲۴۶

*این مقاله برگرفته از رساله دکتری رضوان احمدی پیام با عنوان «واکاوی در سبک‌شناسی حاشیه‌قالی‌های شهری صفوی» است که به راهنمایی دکتر «عفت‌السادات افضل طوسی»

پیشینه پژوهش

در ارتباط با قاب در هنر یا حاشیه قالی پژوهش‌های مختلفی انجام شده که تفصیل برخی بدین شرح است: رهبرنیا و پوریزدان پناه (۱۳۸۹) در «تحلیل نقش و قاب حاشیه فرش‌های افشار در تلفیق نگرش جورج زیمل و رویکرد بازتاب» به حاشیه فرش، انعکاس جامعه و نوع اداره آن بر قرینگی هنر فرش‌بافی عشایری پرداختند و ساختار حاشیه قالی‌های صفویه مورد بحث محققان نبوده است. رشادی و مرآئی (۱۳۹۰) در «بررسی جایگاه حاشیه در فرش‌های تصویری قاجار» بیان نمودند که زمینه فرش‌های قاجار به تبعیت از تصویری شدن گونه‌های هنری، به رسانه‌ای مصور بدون حذف حاشیه بدل شدند و جامعه آماری مورد مطالعه نویسندگان، قالی‌های تصویری قاجار بوده است. حسامی و حاجی‌زاده (۱۳۹۹) در «بررسی انواع حاشیه در قالی‌های دوره صفوی» با تمرکز بر ۵۷ قالی صفوی (قرون دهم و یازدهم ه. ق.) به تحلیل و توصیف نقوش حاشیه پرداختند و طبقه‌بندی زمانی و منطقه‌ای از نظر نویسندگان مغفول مانده است. آشکار است که تغییر در سیاست‌های حمایتی دربار قرون دهم و یازدهم ه. ق. می‌توانسته بر چگونگی تولیدات مناطق مؤثر بوده باشد. احمدی‌پیام، افضل‌طوسی و کشاورزافشار (۱۳۹۹) در «چگونگی کاربرد حاشیه در مفروشات (پرزدار و فاقد پرز) ایران تا ابتدای ورود اسلام» جایگاه حاشیه و روابط نقوش، ابعاد و اندازه آن‌ها در حاشیه‌ها بامتن مفروشات قبل از اسلام را بررسی کردند. در این مطالعه شش نمونه مفروش پرزدار و بدون پرز قبل از اسلام مورد تحلیل واقع شدند.

در مقاله پیش رو نویسندگان با تفکیک قالی‌های قرن دهم ه. ق. (متعلق به حاکمیت شاه‌اسماعیل و شاه‌طهماسب) از نمونه‌های قرن یازدهم ه. ق.، تلاش کردند با تأمل در تمایزات حاشیه قالی‌ها، طبقه‌بندی بصری با محوریت تولیدات مناطق مختلف ایران ارائه دهند؛ بر این اساس مخاطب در تحلیل حاشیه قالی‌ها و تطبیق نمونه‌ها با یکدیگر تا دستیابی به شناسه‌ای استوار بر تفکیک منطقه‌ای، پیشروی می‌کند.

گستره قالی‌بافی ایران در قرن دهم ه. ق.

پس از تیموریان شاه‌اسماعیل صفوی در سال ۹۰۸ ه. ق. به سلطنت رسید. پس از وی شاه‌طهماسب در سال ۹۳۰ ه. ق. به قدرت رسید و سلطنتش (۹۳۰-۹۸۴ ه. ق.) بیش از نیم قرن به طول انجامید و تحولات ساختاری بسیاری در اجتماع، فرهنگ و هنر ایران رقم خورد. شاه‌طهماسب کارخانه‌های منسوجات بسیاری همچون فرش تأسیس کرد؛ در زمان سلطنت شاه‌اسماعیل و شاه‌طهماسب تبریز، کاشان و هرات از بزرگ‌ترین مراکز قالی‌بافی بودند و بهترین

مسلمی است؛ حاشیه قاب پیرامون زمینه قالی است که با ایجاد تمرکز بر زمینه، به شاکله آن انسجام می‌بخشد. دریایی (۱۳۸۶، ۱۰۷-۱۰۸) در تألیف خود می‌گوید تکرار ساختارهای تزئینی در حاشیه باعث خلق ضرباهنگ در کلیت قالی می‌شود و می‌تواند مکمل طرح زمینه قالی شود. حاشیه قالی با چنین جایگاه بصری، می‌تواند فضای مناسبی برای نمایش نظام‌های تزئینی و مفهومی قلمداد شود. قالی‌های قرن دهم ه. ق. حاصل هنرپروری دربار شاه‌اسماعیل و شاه‌طهماسب صفوی هستند و سیاست‌های حمایتی دربار در هر دوره‌ای می‌توانسته موجد تحولات بصری و فرهنگی در محصولات مناطق، نسبت به ادوار قبل و بعد از خود باشد. در این نوشتار سعی نگارندگان بر آن است تا بر توان بصری حاشیه قالی‌های قرن دهم ه. ق. به‌عنوان شناسه‌ای قابل‌تأمل در تولیدات منطقه‌ای آن عصر اشاره کنند. همچنین برشمردن وجوه تمایز ساختار حاشیه‌ها، می‌تواند شاخصی ممتاز به‌منظور تفکیک تولیدات مناطق مختلف محسوب شود.

روش تحقیق، فرضیه و جامعه آماری

روش تحقیق کیفی است و با فرض اینکه قالی‌های قرن دهم ه. ق. در نظام‌های تزئینی حاشیه از تنوع بالایی برخوردارند به دو پرسش اصلی پاسخ داده می‌شود: آرایه‌های تزئینی حاشیه قالی‌های قرن دهم ه. ق. نمایانگر چه سبک‌هایی در محصولات مناطق هستند؟ موقعیت فرهنگی-هنری مناطق بافندگی صفویه چگونه با سبک‌های حاکم بر حاشیه قالی‌ها ارتباط می‌یابند؟ جمع‌آوری داده‌های پژوهش بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای و اینترنتی (درگاه موزه‌ها) بوده و شیوه تحلیل محتوای ساختاری مورد استفاده است؛ در این روش شناسایی ساختارهای صوری و طبقه‌بندی آن‌ها صورت می‌پذیرد تا خصیصه‌ای شاخص آشکار و کاربرد آن در نمونه‌ها قابل توصیف شود (فلیک، ۱۳۸۸، ۳۴۷-۳۴۹). در تحلیل حاشیه قالی‌ها، نمونه‌های فاقد آسیب‌دیدگی موردنیاز است، بنابراین نمونه‌گیری هدفمند و غیرتصادفی انجام پذیرفت. انتخاب غیرتصادفی نمونه‌ها، محدودیت نمونه‌های مطالعاتی و تحلیل کامل آن‌ها از شاخصه‌های نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی است (رنجبر، حق‌دوست، صلصالی، خوش‌دل، سلیمانی و بهرامی، ۱۳۹۱، ۲۴۴). جامعه آماری صرفاً شامل قالی‌های قرن دهم ه. ق. موجود در منابع کتابخانه‌ای است. حاشیه ۵۷ قالی مورد ارزیابی قرار گرفت. پرتکرارترین حاشیه‌ها از ۳۸ نمونه خطی (۱۹ نمونه دارای الگوی تکراری که در جداول ارائه نشدند)، تحلیل و سبک‌های تولیدات مناطق پنج‌گانه بافندگی ایران (شمال‌غرب، تبریز، کاشان، کرمان و شرق) مبتنی بر نگاره‌ها یا نظام‌های تزئینی غالب ارائه شد.

غرب هستند. حاشیه‌های فرعی نسبت به حاشیه‌های اصلی الگوی پایداری ندارند.

• تحلیل حاشیه‌های قالی‌های قرن دهم ه. ق. تبریز

تبریز پایتخت صفویان از عمده مراکز تولید قالی در شمال غرب ایران بود؛ دو پادشاه علاقمند به فرش‌بافی (شاه‌اسماعیل و شاه‌طهماسب) در این منطقه حاکمیت داشتند. سیروس پرهام (۱۳۹۹، ۹۳) بر این عقیده است که دوره باشکوه قالی‌بافی در تبریز و کارگاه‌های سلطنتی آن شکوفا شده است؛ کارگاه‌هایی که تولید محصولات درباری آن‌ها مبتنی بر حضور هنرمندان عالی‌مقامی بود که به فرمان شاه یا به میل خود به پایتخت صفویان آمده بودند تا از حمایت‌های درباری بهره‌مند شوند. دوازده قالی تبریز قرن دهم ه. ق. براساس مستندات کتابخانه‌ای در **جدول ۲** ارائه شدند. حاشیه قلمدانی مشتمل بر قاب‌های به هم پیوسته از پرتکرارترین حاشیه‌ها در قالی‌های تبریز است (**جدول ۲، شماره ۵-۱۲**) ساختار قلمدانی از فرم بازوبند یا کمر بند پهلوانان ایرانی اقتباس شده و غالباً در حاشیه قالی‌ها تکرار می‌شود (**دانشگر، ۱۳۷۲، ذیل مدخل «بازوبندی»**). قاب‌های متصل عمدتاً حاوی نقوش گیاهی، جانوری و نوشتاری (منظوم) و نقوش مکمل آن‌ها، آرایه‌های گیاهی (اسلیمی و ختایی) در بین قاب‌ها هستند. طرح مداخل از الگوهای رایج حاشیه‌های تبریز است (**جدول ۲، شماره ۱**) که حاصل جای‌گیری متناوب معکوس اسلیمی ماری در دو رنگ متفاوت است. طرح مداخل پیش از سده دهم ه. ق.، در تجلید و نگارگری رایج بوده است (**پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷، ۲۶۴۹-۲۶۵۰**). اما سیروس پرهام (۱۳۶۴، ۳۵) معتقد است مبنای این فرضیه صرفاً وجود حاشیه، لچک و ترنج در طرح جلد کتب کهن (مشابه ساختار قالی) بوده، بی‌آنکه به محدودیت قدمت هنر تجلید توجه شود. اگرچه شاخص‌ترین نقاشان در آثار خود برخی وجوه قالی‌ها را به تصویر کشیدند، بهزاد قاب‌های به هم پیوسته حاشیه قالی‌ها و قاسم‌علی چهره‌گشا همکار خوش ذوقش، حاشیه مداخل (**تصویر ۱**) را به ظرافت تصویر می‌نمودند (**پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷، ۲۶۶۴-۲۶۶۵**). رواج نظام‌های تصویری مذکور در کارگاه‌های هنری تبریز، اقتباس دوسویه هنرها به واسطه ارتباط هنرمندان با یکدیگر و علاقمندی‌شان به تصویر کردن این الگوها را نشان می‌دهد. در حاشیه قالی‌های تبریز ترکیب غالب حاشیه، قلمدانی و تزئینات گیاهی (اسلیمی گل‌دار، اسلیمی ماری و ختایی) و جانوری آرایه‌های ثانویه هستند.

حاشیه قالی‌های قرن دهم ه. ق. کاشان

قالی‌های ابریشمین کاشان به تاریخ تقریبی ۹۴۶ ه. ق.، می‌توانند با تشکیلاتی منطقی و شهرت این منطقه مبنی

قالی‌ها در کارگاه‌های سلطنتی بافته می‌شد (**دیماندا، ۱۳۶۵، ۲۶۱**). بَلک (۱۳۹۴، ۷۶) کرمان را نیز قطب تولید قالی دانسته و کارکرد این محصولات را تجهیز کاخ‌های سلطنتی یا تحفه‌های سیاسی-تبلیغاتی قلمداد کرده است. برخی شاه‌طهماسب را آشنا به جزئیات رنگرزی، قالی‌بافی و طراحی معرفی کردند (**الله‌وردیان طوسی، ۱۳۷۱، ۱۲۰**). از سویی تولید شمار قابل توجه قطعات در این دوره از حمایت دربار و استخدام طراحان ممتاز نقشه، حکایت دارد. بدین ترتیب رویکرد نوپدید در قالی‌بافی مبتنی بر روند تبدیل قالی از محصولی غیردرباری به هنری باشکوه شکل گرفت. یان بِنِت تغییر یادشده را، جایگزینی طرح‌های منحنی با هندسی در خلال قرن دهم ه. ق. می‌داند؛ او این تحول را حاصل تخیل آزادانه طراحان، دوری از حاکمیت آداب قومی و تولید محصولاتی با هدف فروش کردن کاخ‌های سلطنتی، هدایای سیاسی، مبادلات کالا به کالا و سفارشات اروپایی می‌داند (**Bennett, 2004, 44-45**). با اشارات یادشده بایسته است که کیفیت بصری حاشیه‌ها متأثر از تغییرات نوپدید، در ارتباط با قالی‌های قرن دهم ه. ق. در مناطق پنج‌گانه (شمال غرب، تبریز، کاشان، کرمان و شرق) مورد تحلیل قرار گیرد.

• تحلیل حاشیه قالی‌های قرن دهم ه. ق. شمال غرب ایران

ایالت‌های شمال غرب ایران عهد صفویه، قطب قالی‌بافی بودند و تنوع قالی‌های آن مرهون طرح‌های بومی متأثر از سفارشات درباری است. هشت قالی این منطقه در **جدول ۱** آمده‌اند. ساختار حاشیه اصلی آن‌ها مشتمل بر الگوی اسلیمی گل‌دار هندسی (**جدول ۱، شماره ۳-۴**) و منحنی (**جدول ۱، شماره ۵-۷**)، الگوی هندسی گره‌کشی شده (**جدول ۱، شماره ۲**)، و الگوی هندسی هراتی تک‌حاشیه (**جدول ۱، شماره ۱**) با گل‌واره‌های مربع و برگ‌های مورب است. در ترکیب هراتی، دو ماهی و گل گرد (با چهره انسان) در میانه بوده که در دوران اسلامی ماهی‌ها به برگ تغییر یافت. پوپ و آکرمن (۱۳۸۷، ۲۶۴۸) برخی نمونه‌ها (**جدول ۱، شماره ۱ و ۵**) را الگویی سنتی و محلی در تولیدات شمال غرب ایران دانستند، که می‌توانستند مبنای ابداعات ویژه برای تولید قالی‌های سلطنتی قرار گیرند. تلاش پُرقوت هنرمندان بومی به منظور برآوردن تمایلات شاهانه، انتقال طراحان حرفه‌ای از دیگر مراکز هنری و تقویت ذخائر تزئینی-سنتی را به همراه داشت. حاشیه‌های اصلی قالی‌های سجاده‌ای در این گروه (**جدول ۱، شماره ۷ و ۸**) مشتمل بر دو بخش نیمه‌تحتانی با نظام‌های تزئینی گیاهی (ختایی و اسلیمی) و نیمه‌فوقانی با نقوش نوشتاری (آیات قرآنی و شعائر دینی) هستند. اسلیمی گل‌دار به‌عنوان آرایه غالب و نقوش مختلف گیاهی (ختایی) گوناگون، آرایه‌های ثانویه و مکمل در حاشیه قالی‌های شمال

جدول ۱. قالی‌های شمال غرب ایران (قرن ۱۰ ه. ق.) همراه با ساختار خطی حاشیه نمونه‌ها. مأخذ: نگارندگان.

شماره	تصویر قالی	شناسه تصویر	ساختار خطی	شماره	تصویر قالی	شناسه تصویر	ساختار خطی
۱		قالی باغی، موزه هنرهای صناعی وین. مأخذ: بصام، فرجو و ذریه زهرا، ۱۳۸۳، ۳۴ حاشیه اصلی: هراتی هندسی		۵		قالی درختی. مأخذ: پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷، ۱۱۲۶ حاشیه اصلی: اسلیمی گل‌دار حاشیه فرعی: ختایی	
۲		قالی لچک-ترنج. مأخذ: پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷، ۱۱۱۴ حاشیه اصلی: قاب‌بندی هندسی (ختایی و اسلیمی) حاشیه فرعی: ختایی-اسلیمی		۶		قالی ترنج‌دار جانوری. مأخذ: بصام و همکاران، ۱۳۸۳، ۴۶ حاشیه اصلی: اسلیمی گل‌دار حاشیه فرعی: هراتی (ختایی)	
۳		قالی شکارگاه، موزه پولدی پزولی. مأخذ: بصام و همکاران، ۱۳۸۳، ۳۵ حاشیه اصلی: اسلیمی گل‌دار حاشیه فرعی: ختایی-اسلیمی		۷		قالیچه سجاده‌ای. مأخذ: پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷، ۱۱۶۵ حاشیه اصلی: اسلیمی گل‌دار حاشیه فرعی: هراتی (ختایی/اسلیمی)	
۴		قالی لچک-ترنج، مجموعه گلبنکیان. مأخذ: بلک، ۱۳۹۴، ۷۷ حاشیه اصلی: اسلیمی گل‌دار حاشیه فرعی: ختایی		۸		قالیچه سجاده‌ای. مأخذ: https://www.met-museum.org/art/collection/search/446951/tion/search حاشیه اصلی: اسلیمی-ختایی حاشیه فرعی: اسلیمی-ختایی	

بر تولید بافته‌های ابریشمی مرتبط باشند (یارشاطر، ۱۳۸۴، ۸۰). کاشان از دیرباز به ابریشم‌بافی نامور بوده است و از نیمه دوم سده دهم ه. ق. به تولید قالی‌های ابریشمی زربفت در کمال ظرافت شهره شد (پرهام، ۱۳۹۹، ۹۵). هشت قطعه قالی کاشان متعلق به قرن دهم ه. ق. در جدول ۳ ارائه شدند. قابل‌تأمل‌ترین الگوی حاشیه در آن‌ها دارای نظام تصویری است؛ یعنی ساختاری روایی و نامتقارن در جزئیات نقوش دارند. نظام‌های یادشده حاوی صحنه‌های فرازمینی (جدول ۳، شماره ۱) یا روایت‌گر بزمی شاهانه هستند. (جدول ۳، شماره ۲). در برخی حاشیه‌ها نیز (جدول ۳، شماره ۴-۸) قاب‌های سپری با گل‌های شاه‌عباسی و آرایه‌های گیاهی و جانوری در میان آن‌هاست. بند ختایی توأم با نقوش جانوری و طرح واق نیز در حاشیه‌ها مشهود است (جدول ۳، شماره ۶)؛ طرح واق مایگانی شامل گیاهان با صورتک‌ها، از اصول نقاشی ایرانی در حاشیه نگاره‌های سده هشتم ه. ق. بود و به مثابه تزئینات بناها، فرش‌ها و چادرها در نگاره‌های مکتب شیراز و هرات استفاده شد (Koechlin & Migeon, 1987, 21) صفویان



تصویر ۱. یوسف و زلیخا، پنج‌گنج، قرن دهم ه. ق.، رقم قاسم‌علی چهره‌گشا، طرح مداخل در حاشیه. مأخذ: منشی قمی، ۱۳۵۲، ۱۳۳.

جدول ۲. قالی‌های تبریز (قرن دهم ه. ق.) همراه با ساختار خطی نمونه‌ها. مأخذ: نگارندگان.

شماره	تصویر قالی	ساختار خطی	شناسه تصویر	شماره	تصویر قالی	ساختار خطی	شناسه تصویر
۱			قالی ترنج‌ترنج. مأخذ: https://collections.the-chelsea-vam.ac.uk/item/O۸۵۱۴۴ carpet-carpet-unknown حاشیه اصلی: مداخل (اسلیمی - ختایی - جانوری) حاشیه فرعی: اسلیمی - ختایی	۷			قالی ترنج‌دار. مأخذ: پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷، ۱۱۵۸ حاشیه اصلی: قلمدانی (ختایی - اسلیمی - نوشتاری) حاشیه فرعی: ختایی - اسلیمی
۲			قالی ترنجی. مأخذ: بام، فرجو و همکاران، ۱۳۸۳، ۴۰ حاشیه اصلی: ختایی - اسلیمی - جانوری حاشیه فرعی: ختایی	۸			قالی ترنج‌دار. مأخذ: پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷، ۱۱۵۹ حاشیه اصلی: قلمدانی (اسلیمی - نوشتاری) حاشیه فرعی: ختایی - نوشتاری
۳			قالی ترنج اسلیمی، مأخذ: https://www.metmuseum.org/art/collection/۴۵۰۷۱۶/search حاشیه اصلی: اسلیمی - ختایی حاشیه فرعی: اسلیمی - ختایی	۹			قالی لچک-ترنج. مأخذ: پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷، ۱۱۵۳ حاشیه اصلی: قلمدانی (ختایی - جانوری - نوشتاری) حاشیه فرعی: اسلیمی - ختایی
۴			قالی لچک-ترنج، مأخذ: https://www.vam.ac.uk/articles/the-ardabil-carpet حاشیه اصلی: قلمدانی (اسلیمی - ختایی) حاشیه فرعی: اسلیمی - ختایی	۱۰			قالی ترنج‌دار. مأخذ: پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷، ۱۱۶۲ حاشیه اصلی: قلمدانی (ختایی - نوشتاری) حاشیه فرعی: ختایی
۵			قالی قاب‌قابی درختی، مأخذ: پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷، ۱۱۴۳ حاشیه اصلی: قلمدانی (اسلیمی - ختایی) حاشیه فرعی: ختایی	۱۱			قالی ترنج‌دار. مأخذ: بام و همکاران، ۱۳۸۳، ۴۴ حاشیه اصلی: قلمدانی (ختایی - جانوری - انسانی) حاشیه فرعی: ختایی
۶			قالی لچک-ترنج. مأخذ: بام و همکاران، ۱۳۸۳، ۴۲ حاشیه اصلی: قلمدانی (ختایی - اسلیمی - نوشتاری) حاشیه فرعی: ختایی	۱۲			قالی ترنجی جانوری. مأخذ: پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷، ۱۱۵۱ حاشیه اصلی: اسلیمی گل‌دار و جانوری حاشیه فرعی: ختایی

قرن دهم ه. ق.، مطابق با جدول ۴ ارائه شدند. تعدادی از آن‌ها متعلق به مجموعه دوازده‌گانه قالی‌های سن‌گرکو (نام مالک فاخرترین قطعه) هستند (Bennet, 2004, 48) و در اواخر سده دهم ه. ق. بافته شدند (پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷، ۲۶۹۵). تزئینات حاشیه عمدتاً اسلیمی گلدار و ختایی (جدول ۴، شماره ۱ و ۵)، نبردهای حیوانی و سرهای جانوری (جدول ۴، شماره ۲ و ۴) و پیکره‌های انسانی (جدول ۴، شماره ۶) در قاب‌های مجزا هستند. نبردهای حیوانی در ساختاری برپایه نظام‌های متناوب حیوانی و گیاهی شکل گرفته‌اند.

دستاوردهای تزئینی مکتب هرات را برای قوام‌بخشی به نظام‌های عملی در هنر تبریز به کار گرفتند (آزند، ۱۳۹۳، ۱۷۹). سنت کاربست شبکه‌های تزئینی چندلایه در نمونه‌های کاشان مشهود نیست؛ در حاشیه قالی‌های کاشان آرایه‌های غالب در حاشیه‌ها شاخص‌تر از ترکیب تزئینی غالب هستند و این نمونه‌ها به‌واسطه تراکم و ظرافت بالای نقوش از دیگر تولیدات متمایز شدند.

• تحلیل حاشیه قالی‌های قرن دهم ه. ق. کرمان براساس مستندات کتابخانه‌ای ششقالی منتسب به کرمان از

جدول ۳. قالی‌های کاشان (قرن دهم ه. ق.) همراه با ساختار خطی نمونه‌ها. مأخذ: نگارندگان.

شماره	تصویر قالی	ساختار خطی	شناسه تصویر	شماره	تصویر قالی	ساختار خطی	شناسه تصویر
۱			قالی شکارگاه، مأخذ: پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷، ۱۱۹۱ حاشیه اصلی: تصویری حاشیه فرعی: ختایی	۵			قالی جانوری، مأخذ: https://www.metmuseum.org/art/collection/search/446642 حاشیه اصلی: ختایی و جانوری حاشیه فرعی: اسلیمی-ختایی (هراتی)
۲			قالی شکارگاه. مأخذ: https://collections.mfa.org/ob-hunting-carpet/49170jects حاشیه اصلی: تصویری حاشیه فرعی: اسلیمی-ختایی	۶			قالی حیوان دار، مأخذ: بصام و همکاران، ۱۳۸۳، ۶۰ حاشیه اصلی: ختایی (طرح واق) حاشیه فرعی: ختایی (هراتی)
۳			قالی لچک-ترنج، مأخذ: پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷، ۱۱۹۳ حاشیه اصلی: زختایی و درختان شکوفه‌دار حاشیه فرعی: اسلیمی-ختایی	۷			قالی حیوان دار، مأخذ: بصام و همکاران، ۱۳۸۳، ۶۱ حاشیه اصلی: بند ختایی و جانوری حاشیه فرعی: قلمدانی / هراتی (ختایی)
۴			قالی لچک-ترنج، مأخذ: پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷، ۱۱۹۷ حاشیه اصلی: بند ختایی حاشیه فرعی: اسلیمی-ختایی	۸			قالی لچک-ترنج، مأخذ: پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷، ۱۲۰۱ حاشیه اصلی: بند ختایی حاشیه فرعی: بند ختایی

به درگاه فلک پناه ما می‌آید... قالی‌های ابریشمی خراسان» گسترانیده شود، چنین برمی‌آید که قالی‌های فاخر ابریشمی در شرق ایران تولید می‌شدند (کیانی و افشار، ۱۳۶۰، ۸۱۶). ادواردز (۱۳۶۸، ۱۸۶-۱۸۷) معتقد است مکتوبات سیاحان و نگارگری‌ها از حمایت قالی‌بافان این خطه حکایت دارند. چهار قطعه قالی منطقه شرق از قرن دهم ه. ق.، در جدول ۵ ارائه شدند. ساختار تزئینی حاشیه این قالی‌ها عمدتاً مشتمل بر ترکیب‌بندی‌های گیاهی هراتی است. نگاره متمایز این حاشیه‌ها گل‌های شاه‌عباسی مُضرس و برگ‌شکل هستند. تلفیق آرایه و ترکیب غالب در حاشیه قالی‌های شرق مشهود است؛ آرایه‌های گل‌های شاه‌عباسی برگ‌شکل و برگ‌های دندان‌دار در ترکیب غالب هراتی هستند. ساختار هراتی در حاشیه قالی‌های ایرانی عمدتاً مشتمل بر گل‌های شاه‌عباسی

یارشاطر (۱۳۸۴، ۸۲) غنا و پیچیدگی ترکیب‌بندی‌ها را با تذهیب‌کاری مرتبط دانسته اما برخی طراحان این فرش‌ها را متأثر از ابریشم‌بافان یا نگارگران می‌دانند (پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷، ۲۶۹۶-۲۶۹۸). شناسه متمایز حاشیه قالی‌های کرمان تلفیق توأمان ترکیب و نگاره‌های غالب است؛ چارچوب خلاصه‌ای از مایگان هراتی برپایه اسلیمی گل‌دار پهن، ترکیب غالب و قاب‌های کنگره‌دار و حیوانات درگیر به‌عنوان آرایه‌های غالب در این نمونه‌ها قلمداد می‌شوند.

• تحلیل حاشیه قالی‌های قرن دهم ه. ق. شرق ایران مهم‌ترین مرکز تولید قالی شرق ایران در قرون دهم و یازدهم ه. ق.، هرات، پایتخت و شهر اصلی ایالت خراسان بود. به گواه فرمان صادره شاه‌طهماسب به سال ۹۵۱ ه. ق. مبنی بر اینکه در پذیرایی از همایون پادشاه تیموریان هند «که

جدول ۴. قالی‌های کرمان (قرن دهم ه. ق.) همراه با ساختار خطی نمونه‌ها. مأخذ: نگارندگان.

شماره	تصویر قالی	ساختار خطی	شناسه تصویر	شماره	تصویر قالی	ساختار خطی	شناسه تصویر
۱			قالی لچک-ترنج. مأخذ: پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷، ۱۲۰۵ حاشیه اصلی: اسلیمی گلدار (گرفت‌وگیر حیوانی) حاشیه فرعی: هراتی (ختایی و واق)	۴			قالی ترنج‌دار جانوری. مأخذ: بلک، ۱۳۹۴، ۷۹ حاشیه اصلی: قاب‌های مدور (تقابل‌های حیوانی) حاشیه فرعی: هراتی (ختایی)
۲			قالی لچک-ترنج جانوری، سده دهم ه. ق. مأخذ: پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷، ۱۲۰۶ حاشیه اصلی: قاب‌های مدور (تقابل‌های حیوانی) حاشیه فرعی: هراتی (ختایی و واق)	۵			قالی گرد با نقش گیاهی. مأخذ: پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷، ۱۲۱۲ حاشیه اصلی: ختایی-اسلیمی حاشیه فرعی: هراتی (ختایی)
۳			قالی قاب‌قایی جانوری-انسانی. مأخذ: Bennett, 2004, 61 حاشیه اصلی: قلمدانی (نقوش حیوانی و ختایی) حاشیه فرعی: ختایی و واق	۶			قالی تصویری، مأخذ: بسام و همکاران، ۱۳۸۳، ۵۸ حاشیه اصلی: ختایی و قاب‌های مدور (نقوش انسانی) حاشیه فرعی: هراتی (ختایی و واق)

با شاخه‌های خمیده مُنقَسِم از آن‌هاست که در حاشیه اصلی و فرعی قالی‌های شرق ایران به کار رفتند.

• سبک‌شناسی حاشیه قالی‌های قرن دهم ه. ق.

ساختار قالی می‌تواند متأثر از عوامل محیطی، جغرافیایی و بومی ویژگی‌های متمایزی کسب کند. به مؤلفه‌های صوری شاخص در یک اثر یا گروه آثار هنری سبک یا شیوه هنری گفته می‌شود که باید با ارتباطی یکپارچه به یک بیان واحد اشاره نمایند (پاکباز، ۱۳۸۱، ۳۹۸). سبک، اصل هماهنگی به‌منظور وحدت‌بخشی به آثار هنری در یک مقوله یا مجموعه است (جل، ۱۳۹۰، ۲۲۴). پوپ و آکرمن (۱۳۸۷، ۲۲۶۵) می‌گویند سبک فرش بایستی در کنار سنت‌ها و جایگاه فرهنگی و جغرافیای آن، گویای مختصات جامعه آفریننده محصول باشد و تفکیک زمانی و مکانی تولیدات، حدود فرهنگی زمانه را تعیین می‌کند. بنابراین می‌توان گفت سبک‌های هنری پدیدآمده در طول تاریخ، نماینده تمایلات گروه‌ها، قشرها و طبقات به‌وجودآورنده آن‌ها هستند (الکساندر، ۱۳۹۰، ۱۱۴). هر اثر هنری در روند شکل‌گیری، با قراردادهای محیطی، فرهنگی و تاریخی زمان خود قوام می‌یابد. اهمیت الزام‌های فرهنگی در خلق آثار هنری تا بدان پایه است که سلیقه فردی هنرمند هم قادر نیست چهارچوب‌های زیبایی‌شناختی معطوف به مؤلفه‌های

فرهنگی زمان و مکان خود را نادیده گیرد. بنابراین کارکرد سبک هنری در ارتباط با اجتماع خود تنها به هنرمند وابسته نیست و در واقع بنا بر اعتقاد دو وینیو (۱۳۷۹، ۷۶) سبک براساس یک توقع جمعی شکل می‌گیرد. حاشیه قالی‌ها نیز به‌عنوان بخشی از یک اثر هنری می‌تواند عنصری پایدار به‌منظور ارائه سبک باشد. سبک‌های حاشیه قالی‌های قرن دهم ه. ق. با محوریت آرایه‌های اولیه غالب (اسلیمی گل‌دار، اسلیمی ماری، تقابل‌های حیوانی) و ترکیب‌بندی‌های غالب (قلمدانی، تصویری و هراتی) قابل تعریف هستند. برخی صرفاً مختص یک منطقه (تصویری) و برخی فراگیر بوده (قلمدانی، هراتی یا اسلیمی گل‌دار) و در تراکم نقوش و جای‌گیری در حاشیه‌ها متفاوت هستند. موارد یادشده شناسه‌های صوری تکرارپذیری هستند که پایداری آن‌ها در حاشیه‌ها علاوه بر اینکه وجه ممیزه تولیدات یک یا چند منطقه است، هویت فرهنگی مراکز تولیدی نیز محسوب می‌شوند. مناطق مورد مطالعه اسلاف فرهنگی ایران قرن دهم ه. ق. و قبل از آن هستند که در ارتقای مؤلفه‌های فرهنگی (مذهب، سیاست و هنر) پیشرو بودند. سبک اسلیمی گل‌دار هندسی با محوریت ساختارهای سنتی در حاشیه قالی‌های شمال غرب، می‌تواند با رویکرد سنتی و مذهبی منطقه مرتبط باشد؛ در این منطقه شهر اردبیل، پایتخت مذهبی صفویان جای دارد که با ظهور

جدول ۵. قالی‌های شرق ایران (قرن دهم ه. ق.) همراه با ساختار خطی نمونه‌ها. مأخذ: نگارندگان.

شماره	تصویر قالی	ساختار خطی	شناسه تصویر	شماره	تصویر قالی	ساختار خطی	شناسه تصویر
۱			قالی افشان، مأخذ: بصام و همکاران، ۱۳۸۳، ۵۹) حاشیه اصلی: هراتی (ختایی) حاشیه فرعی: هراتی (ختایی)	۳			قالی افشان، مأخذ: پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷، ۱۱۸۶) حاشیه اصلی: اسلیمی گل‌دار حاشیه فرعی: قلمدانی (اسلیمی)
۲			قالی افشان گیاهی، مأخذ: https://www.metmuseum.org/art/col-450509/lecture/search حاشیه اصلی: ختایی-اسلیمی حاشیه فرعی: اسلیمی-ختایی	۴			قالی گل‌دار، مأخذ: بصام و همکاران، ۱۳۸۳، ۶۸) حاشیه اصلی: ختایی حاشیه فرعی: ختایی/ زنجیره هندسی

از شهرهای شیعه‌نشین و علاقمند به حاکمیت صفویان بود؛ پیکره‌نگاری‌های درباری با مؤلفه‌های پوششی قزلباش‌ها، نماد ساختار قومیتی و حامیان شیعی شاه‌اسماعیل و شاه‌طهماسب، از قراردادهای بصری حاشیه‌های تصویری قالی‌های کاشان است. ظرافت و مشخصات ممتاز حاشیه در قالی‌های کرمان می‌توانند گواه موقعیت برجسته هنری کرمان باشند. پیشینه هنری و هم‌جواری این منطقه با مراکز هنری شرق (خراسان) و مرکز (اصفهان و کاشان) سبب شد تا کرمان به مرکز پُرونق هنری تبدیل شود. در کرمان صنایعی چون شال‌بافی و قالی‌بافی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بودند؛ در دوره صفویه کارگاه‌های شال‌بافی در کرمان دائر و شال‌بافان طبقه اجتماعی مهمی بودند. طبقات ثروتمند، تجار شال و قالی و عامه مردم شال‌باف و قالی‌باف بودند (نجم‌الدینی، ۱۳۸۵، ۶۷). وجود سبک هراتی بر پایه آرایه‌های محلی در حاشیه قالی‌های قرن دهم ه. ق. شرق ایران، با پیشینه فرهنگی-هنری شهر هرات مرتبط است. صفویان میراث‌دار مکاتب هنری شرق ایران بودند و تولید آثار بر بستری مقوم از حیات فرهنگی تیموریان، کیفیت ممتاز مؤلفه‌های بصری را تضمین می‌کرده است. یان بنت (Bennett, 2004, 49) می‌گوید در دو دهه اول قرن دهم ه. ق. بسیاری از هنرمندان پیشرو نظیر میرک، میرزاعلی، سلطان محمد و میرسیدعلی از هرات به سوی تبریز پایتخت صفویان روانه شدند و کمال‌الدین بهزاد به سرپرستی کتابخانه دربار منصوب شد. با این وصف افزایش پیچیدگی فرش‌های تولیدی دهه‌های اول سلطنت صفوی ناشی از حضور هنرمندان و طراحان با سابقه بود و حضور گنجینه‌های تزئینی در این منطقه، زمینه‌ساز پیدایش آثار فاخر بعدی شد. صفویان تنها مرجع تعیین‌کننده‌ای بودند که هنرها در سایه حمایتشان فرصت ظهور و بالندگی یافتند؛ بدین ترتیب بازتولید و تکرار برخی الگوهای بصری، شناسه محصولات

شیخ صفی‌الدین اردبیلی به دارالارشاد شهرت یافت و همواره مرکز تجمع صفویان بود (باباصفری، ۱۳۷۰، ۸۴-۸۵). بنابراین ساختار پُربافت اسلیمی گل‌دار در حاشیه‌ها می‌تواند از انگیزه‌های مذهبی (شیعه‌گرایی) و سنتی تولیدکنندگان حکایت کند. آژند (۱۳۹۳، ۴۹) می‌گوید که زین‌العابدین علی‌عبدی‌بیگ متخلص به نویدی شیرازی از شاعران و مورخان عهد صفوی (سام‌میرزا صفوی، ۱۳۸۸، ۹۵) در مثنوی‌هایش با محوریت تزئینات کاخ‌های شاه‌طهماسب، از اسلیمی یا اسلامی یاد کرده است. همچنین دوست‌محمد هروی در مقدمه خود بر مرقع بهرام‌میرزا به تاریخ ۹۵۱ ه. ق. به ادعای نویدی مبنی بر انتساب ابداع اسلیمی به حضرت علی (ع) اشاره می‌کند. بنابراین کاربست مکرر الگوی ثابت تزئینی می‌تواند به پیشینه فرهنگی-مذهبی منطقه مرتبط باشد. تبریز هم به واسطه داشتن حاشیه پرتکرار قلمدانی (نقوش نوشتاری، گیاهی)، منطقه‌ای صاحب سبک شناخته شد؛ این شهر مدتی پایتخت صفوی و تا پایان این سلسله دومین شهر مهم از نظر مذهبی، سیاسی و فرهنگی بود. تبریز از نظر دینی، مذهبی و جمعیتی از تنوع برخوردار بود و ایجاد یکپارچگی در کانون این چندگونگی، به واسطه زبان واحد هنری هدف متعالی شد؛ بافت قالی و بازتولید الگوهای تزئینی برخاسته از ادبیات فارسی، مبتنی بر ظرفیت نمایشی حاشیه قالی‌ها، جایگاه تبریز به‌عنوان پایتخت فرهنگی-سیاسی صفویان را مؤکد می‌کند. در حاشیه قالی‌های کاشان، سبک تصویری با نگاره‌های غنی و مترکم می‌تواند به پیشینه هنرپرووری این خطه اشاره کند. راوندی (۱۳۸۷، ۳۹۶-۳۹۷) بر تولید قالی‌های ابریشمی در کاشان و انتقال هنر قالی‌بافی از این شهر به هندوستان تأکید کرده است؛ با بازگشت همایون گورکانی به هند (۹۵۱ ه. ق.) همراه با طراحان و بافندگان شهرهای اردبیل، کاشان و خراسان، مکتب قالی‌بافی ایران در هندوستان تأسیس شد. همچنین کاشان

مناطق با جایگاه مذهبی، فرهنگی-هنری و سیاسی شدند و مدیریت فرهنگی صفویان در آن ایالت‌ها تأمین شد.

نتیجه‌گیری

بنیاد بصری قالی بر پایه حاشیه و متن شکل یافته و طبقه‌بندی آن‌ها براساس شناسه‌های متمایز در هر بخش امکان‌پذیر است. در پاسخ به پرسش اول مقاله، مبنی بر شناسایی سبک‌های موجود در تولیدات مناطق مختلف بر پایه آرایه‌های تزئینی حاشیه قالی‌های قرن دهم ه. ق.، ۵۷ قطعه قالی قرن دهم ه. ق. بررسی شد؛ نظام‌های پرتکرار مبتنی بر آرایه یا ترکیب غالب در حاشیه اصلی به عنوان شاخصه‌های متمایز تولیدات و سبک منطقه‌ای مشهود شد. با اتکاء بر ساختارهای خطی مستخرج از نمونه‌ها (۳۸ قطعه)، سبک‌های مذکور در حاشیه قالی‌ها با محوریت نظام آرایه‌های اولیه پرتکرار، شامل سبک‌های اسلیمی گل‌دار، اسلیمی ماری و تقابل‌های حیوانی و سبک بر پایه نظام ترکیب غالب پرتکرار شامل مایگان هراتی، قلمدانی و تصویری بودند. براین اساس شش سبک در مجموعه حاشیه‌های مورد بررسی به دست آمد.

در پاسخ به پرسش دوم مبنی بر ارتباط میان سبک‌های حاکم بر حاشیه قالی‌ها با موقعیت فرهنگی-هنری مناطق بافندگی، مسجل شد که در طرح حاشیه قالی‌های پنج منطقه مورد مطالعه، سبک‌های شاخصی از میان شش سبک مذکور حاکمیت دارند؛ سبک اسلیمی گلدار هندسی در قالی‌های شمال غرب، سبک قلمدانی (نقوش نوشتاری و گیاهی) در قالی‌های تبریز، سبک تصویری در قالی‌های کاشان و سبک هراتی در قالی‌های شرق قابل دریافت هستند. از آنجا که تولید قالی یک روند فردی نیست و فرآیندی جمعی قلمداد می‌شود، می‌تواند مجموعه‌ای از بازنمایی‌های جمعی برخاسته از اجتماع زمانه خود باشد. براین اساس تداوم نمایش مختصاتی ویژه در بخشی از آثار هنری یک منطقه، مقوله‌ای است که از سلیقه فرهنگی و زیبایی‌شناختی زمانه خویش تبعیت می‌کند. بنابراین سبک‌های ارائه شده مبتنی بر حاشیه قالی‌های هر منطقه، شناسنامه‌ای هستند که خوانش آثار را به پشتوانه پیشینه فرهنگی منطقه‌ای که در آن تولید شدند، سهل‌الوصول می‌کنند. با حاکمیت سبک‌های نامبرده در هر منطقه و واکاوی پیشینه فرهنگی مناطق تولیدکننده قالی‌های مورد مطالعه، این احتمال تقویت شد که مراکز پنج‌گانه از سه منظر فرهنگی-سیاسی (تبریز)، فرهنگی-مذهبی (ایالت‌های شمال غرب و کاشان) و فرهنگی-هنری (کاشان، کرمان و هرات) سرآمد بودند. هنرمندان طراح و بافنده در ایالت‌های یادشده با تثبیت شاخصه‌های فرهنگی-هنری حاکم بر جوامع زمانه خود،

این توانایی را یافتند که پیدایش و تکوین سبک‌های پایدار و هدفمند در وجوه مختلف آثار هنری، همچون حاشیه قالی‌ها را محقق سازند.

فهرست منابع

- آزند، یعقوب. (۱۳۹۳). *هفت اصل تزئینی هنر ایران*. تهران: پیکره.
- ادواردز، سیسیل. (۱۳۶۸). *قالی ایران* (ترجمه مهین دخت صبا). تهران: فرهنگسرا.
- احمدی‌پیام، رضوان؛ افضل‌طوسی، عفت‌السادات و کشاورزافشار، مهدی. (۱۳۹۹). چگونگی کاربرد حاشیه در مفرشات ایران تا ابتدای ورود اسلام. *گلجام*، ۱۶ (۳۷)، ۱۰۹-۱۲۴.
- الله‌وردیان‌طوسی، حسن. (۱۳۷۱). *سفر به خراسان*. مشهد: کتابخانه.
- باباصفری، علی اصغر. (۱۳۷۰). *اردبیل در گذرگاه تاریخ*. اردبیل: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل.
- بصام، جلال‌الدین؛ فرجو، محمدحسین و ذریه زهرا، سیدامیراحمد. (۱۳۸۳). *رویای بهشت*. ج. ۱. تهران: اتکا.
- بلک، دیوید. (۱۳۹۴). *اطلس قالی و فرش* (ترجمه نازیلا دریایی). تهران: بنیاد دانشنامه‌نگاری ایران.
- پاکباز، رویین. (۱۳۸۱). *دایره‌المعارف هنر*. تهران: فرهنگ معاصر.
- پرهام، سیروس. (۱۳۶۴). *دستبافته‌های عشایری و روستایی فارس*. ج. ۱. تهران: امیرکبیر.
- پرهام، سیروس. (۱۳۹۹). *فرش و فرش‌بافی در ایران*. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- پوپ، آرتور اپهام و آکرم، فیلیپس. (۱۳۸۷). *سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز*. ج. ۶ و ۱۱. تهران: علمی و فرهنگی.
- دانشگر، احمد. (۱۳۷۲). *فرهنگ جامع فرش ایران*. تهران: دی.
- دریایی، نازیلا. (۱۳۸۶). *زیبایی‌شناسی در فرش دستباف ایران*. تهران: مرکز ملی فرش ایران.
- دو وینو، ژان. (۱۳۷۹). *جامعه‌شناسی هنر* (ترجمه مهدی سبحانی). تهران: مرکز.
- دیماند، موریاسون. (۱۳۶۵). *راهنمای صنایع اسلامی* (ترجمه عبدال... فریار). تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب.
- الکساندر، ویکتوریا. (۱۳۹۰). *نظریه‌های جامعه‌شناسی هنر و ادبیات* (ترجمه اعظم راوودراد). تهران: دانشگاه تهران.
- راوندی، مرتضی. (۱۳۸۷). *تاریخ اجتماعی ایران*. ج. ۵. تهران: نگاه.
- رشادی، حجت اله و مرآتی، محسن. (۱۳۹۰). *بررسی جایگاه حاشیه در فرش‌های تصویری دوره قاجار*. *گلجام*، ۲۰ (۲)، ۵۷-۷۱.
- رنجبر، هادی؛ حق‌دوست، علی‌اکبر؛ صلصالی، مهوش؛ خوش‌دل، علیرضا؛ سلیمانی، محمدعلی و بهرامی، نسیم. (۱۳۹۱). *نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی*. *دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران*، ۳ (۳)، ۲۳۸-۲۵۰.
- رهبرنیا، زهرا و پوریزدان‌پناه، بهاره. (۱۳۸۹). *تحلیل نقش و قاب حاشیه در فرش‌های عشایر افشار در تلفیق نگرش جورج زیمل و رویکرد بازتاب*. *گلجام*، ۱۵ (۱۵)، ۱۰۳-۱۲۶.
- سام‌میرزا صفوی. (۱۳۸۸). *تحفه سامی* (به کوشش احمد مدقق یزدی). تهران: بی جا.
- حسامی، وحیده و حاجی‌زاده، محمدامین. (۱۳۹۹). *بررسی انواع*

- فرهنگ ایران.
- نجم‌الدینی، غلام‌عباس. (۱۳۸۵). *کرمان از مشروطیت تا سقوط قاجار*، قم: حسنین.
 - یارشاطر، احسان. (۱۳۸۴). *تاریخ و هنر فرش‌بافی ایران بر اساس دایره‌المعارف ایرانیکا* (ترجمه ر. لعلی خمسه). تهران: نیلوفر.
 - Bennett, I. (2004). *Rugs & Carpets of The World*. London: Greenwich.
 - Koechlin, R. & Migeon, G. (1987). *Cent Planches en Couleur de l'Art Musulman* [One Hundred Color Plates of Muslim Art]. Paris: Editions Albert Levy.

- حاشیه در قالی‌های دوره صفوی. رجسمار، (۱)، ۸۱-۹۶.
- جل، آلفرد. (۱۳۹۰). *هنر و عاملیت* (ترجمه احمد صبوری). تهران: فرهنگستان هنر.
 - صوراسرافیل، شیرین. (۱۳۹۵). *فرش دستبافت هویت ناشناخته*. تهران: فرهنگ‌سرای میردشتی.
 - فلیک، اووه. (۱۳۸۸). *درآمدی بر تحقیق کیفی* (ترجمه هادی جلیلی). تهران: نی.
 - کیانی، محمدیوسف و افشار، ایرج. (۱۳۶۰). *حکم شاه طهماسب صفوی برای پذیرایی همایون شاه‌آینده*، (۱۱ و ۱۲)، ۸۱۵-۸۲۳.
 - منشی قمی، قاضی میراحمد. (۱۳۵۲). *گلستان هنر*. تهران: بنیاد



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:
 احمدی پیام، رضوان؛ افضل طوسی، عفت‌السادات و موسوی‌لر، اشرف‌السادات. (۱۴۰۱). سبک‌شناسی حاشیه قالی‌های ایران قرن دهم ه. ق. بر اساس مراکز قالیبافی. *باغ نظر*، ۱۹(۱۰۹)، ۴۷-۵۶.

DOI:10.22034/BAGH.2022.286812.4890
 URL:http://www.bagh-sj.com/article_145716.html

